

فرمود که فی پس کنت تو چه کسی فرمود که من وصی پیغمبرم محمد بن
عبدالله خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم را بگفت دست بیا که
مسلمان می شوم حضرت امیر کرم الله وجهه دست بوی داد و گفت
اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله واشهد انک
وصی رسول الله بعد از آن حضرت امیر از وی پرسید که سبب چه
بود که بعد از آن که تدری مدید بردین خود بودی امروز ایما آوردی
گفت ای امیر المؤمنین بتای این دیر از برای گذشته این سنگ است
و پیش از من بسیار درین دیر بوده اند زیرا که ما در کتب خود دیده
و از علمای خود شنیده که درین موضع چشمه است و بر بالای آن
سنگی که آنرا ندانند و کندن آنرا نتوانند مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری
پس چون من این دیدم که تو این کار کردی باز روی خود رسیدم و
انتظاری بر دم باقم چون حضرت امیر آنرا شنید چندان بگرت
تجاسن مبارک وی از آب دیده تر شد بعد از آن کنت الحمد لله الی
لم اکن غلظه منقیا و کنت فی کتبه مذکور پس آن را ب ملازم حضرت
امیر شد و در پیش وی با اهل شام معامله کرد چندان که شنیدند
حضرت امیر بروی نماز گذارد و میراد فک کرد و از برای وی از
خدای تعالی آرزوش خواست و هرگاه که ویرا یادی کردی کنت و
مولای مننت **و از آنجمله آنست** که هبه غری که از اصحاب
امیر المؤمنین علی بود رضی الله عنه که یکم در ایام حجاب بر معاویه

صفحه شام

حضرت امیر رضی الله عنه برکنار روی بی فرو داد نگاه کردی کنت
السلام علیک یا امیر المؤمنین حضرت امیر فرمود که و علیک السلام
آن مرد کنت من سمعون بن یوحنا ام صاحبین دبر و اشارت
بدیبری کرد که آنی بود پس کنت نزدیک یا کتالی است که اصحاب
عیسی علیه السلام آنرا از یکدیگر میراث گرفته اند که خواجی آنرا بر تو
خوانم و اگر خواجی آنرا پیش تو آرم حضرت امیر فرمود که بخوان آن
مرد خواندن گرفت در لغت رسول بود صلی الله علیه و سلم و او صاحب
امت وی و در آفران این بود که روزی فرود آید برکنار این دریا
مردی که اقرب باشد بوی از اهل این زمان در توالت و دین اهل
مشرق را بیارد و با اهل مغرب معانیه کند دنیا اهلون علیه تر زیاد
اشدت بر الریح فی یوم عاصف و الموت فی حجب الله اهلون علیه
من شریکها بشرها الطمان العون له رضوان الله و العنل مؤثره
پس آن مرد کنت چون آن بنی معوض شد بوی ایمان آوردم و چون
نوابی فرود آمدی پیش تو آردم نازنده و مرده با تو باشم حضرت
امیر رضی الله عنه بگرت و حاضران بگرتند با وی پس فرمود که
الحمد لله الذی لم یجعلی عنده منسیا و الحمد لله الذی ذکر فی کتاب
الابرا پس با هبه غری کنت که ای حبه این را با خود نگاه دار
و هرگاه که شام و چاشت خوردی و بر اطلب کردی در لیل الهم بیک
حرب وی با معاویه صعب شد شنید کنت حضرت امیر رضی الله عنه